

ابرهای دانیال

بختیار علی

مترجم
مهری برهون



۱۳۹۵

www.ketab.ir

علی، بختیار، ۱۹۶۰ - م. Eli, Bextiyar

هموره‌کائی دانیال. فارسی

ابرهای دانیال/ بختیار علی؛ مترجم مهری برهون.

تهران: افراز، ۱۳۹۵

۵۱۲ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۲۳۱-۷

فیبا

داستان‌های کردی -- قرن ۱۴

برهون، مهری، ۱۳۴۴، - مترجم

PIR ۳۲۵۶/س ۵۴۵ ع ۸۱۳۹۳

۳۶۵۹۰۲۹

سرشناسه:

عنوان قراردادی:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست‌نویسی:

موضوع:

شناسه‌افزوده:

رده‌بندی کنگره:

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:



انتشارات افراز

دفتر مرکزی فروش: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۸۹۰۹۷

دفتر: خیابان دانشگاه، مجتمع تجاری دانشگاه، طبقه منفی یک، کتابفروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز

تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

وبسایت: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

ادبیات داندل

بختیار علی

مترجم: مهر برهن

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵

ویراستار: یاسین محمدی

طراحی جلد: میثم علیپور / آتیه افراز

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / یکتافر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۶۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

پیش درآمد

نوشتن به منظور معرفی کتاب‌های بختیار علی کار بیهوده‌ای است، چراکه نمی‌توان حق مطلب را در معرفی اثر ادا کرد، تنها می‌توان گفت که بختیار علی در نوشته‌هایش و ویژه در این کتاب موشکافانه به هزارتوی روان و ناخودآگاه انسان می‌رود، نه انسان را. در کنار برج ایفل و برج لندن، بلکه انسان مضطرب و وحشت‌زده و زخمی‌خواه، بی‌خانه، انسانی که هنوز هم لقمه‌هایش بوی خون می‌دهد و ترس و وحشت و ناامنی، جان آغشته به دود و باروتش است.

ابره‌ای دانیال حال هیچ خواننده‌ی ناخوش نمی‌کند، او را به سفر رویایی عشق‌های رمانتیک نمی‌برد، باری و هر جهت باعث سپری شدن لحظات کسالت‌بارش نمی‌شود و به هیچ‌کس هیچ وعده‌ی روغینی نمی‌دهد، بلکه انسان را برمی‌انگیزد تا با خود گلاویز شود، تیغ بردارد و با یک پای بسته‌اش بکشد، به سفری جسورانه و تلخ و تاریک در اعماق روانش برود، با مواجهه‌ی نه‌چندان خوشایندی با کنج و زوایای روح پاره‌پاره و متلاشی خود و ناخودآگاه، فشار از ترس و اضطرابش داشته باشد.

در طول ترجمه‌ی این کتاب با رنج‌هایی عمیق‌تر از آنچه در اتاق درمان شاهد آن هستم، مواجه شدم. افسرده شدم، جنگ و خون و رعب و وحشت را با همان طعمی که هم‌اکنون وجود دارد، حس کردم، گریستم، خسته شدم و خستگی‌های نهفته‌ام بیشتر از پیش بر من عیان شدند، تار و پود مرگ را لمس کردم و سوگ‌های راستین را تجربه کردم و از پا افتادم... ابره‌ای دانیال به جان من افتادند و مرا به

این سوی و آن سو بردند. به تمام سرزمین‌های وحشت و جنونی که در واقع سرزمین و خانه‌ام بود، به دنبالم بودند و دنبالشان می‌کردم... با هم گلاویز می‌شدیم و زخم‌هایم بیشتر می‌شدند، ابرها بی‌رحمانه بر من می‌تاختند و زخمی‌ترم می‌کردند... غرقه‌سازی ناب و نایاب در فضای تنگ و تاریک این خانه‌ی سرشار از تنهایی و تروما را تجربه کردم و هر بار توانا تر برخاستم.

ابرهای دانیال به ما می‌گویند که می‌توان در این دیار وحشت و خون و خشونت و در عمق این سیاهی‌ها انسان بود و انسان ماند. ارمغان رنج، رشد و رهایی است و با وجود شمیرهای خون‌چکان و ترس و اضطراب شناوری که ناخودآگاه‌ها را آلوده می‌توان رهایی و رشد، این ویژگی ذاتی ارگانیسم زنده‌ای به نام انسان را انکار کرد.

ابرها هنوز با من در صلح و دوستی هستند. دیگر آن آدمی نیستم که پیش از ابرها بودم. بارها در طول زمان ترجمه و تفسیرهایم، چندین و چند باره ناخودآگاه جذب افسون کلمات و محتوای کتاب می‌شدم و به هم می‌آمیزم. ابرهای دانیال را باید خواند، کلماتش را مزه مزه کرد و همراه با آن هرگز به تنهایی سفر پر مخاطره‌اش را به درون آغاز کند.

مهری برهون